دستگیری لات مجازی

فردی که با انتشار کلیپ در فضای‌مجازی به ترویج اوباش‌گری، استفاده از سلاح سرد و گرم و همچنین توهین به ماموران نیروی انتظامی اقدام می‌کرد، دستگیر شد. به گزارش جام‌جم، سرهنگ سعید راستی، رئیس مرکز عملیات پلیس امنیت عمومی تهران دراین‌باره گفت: با رصد فضای‌مجازی، ماموران ما با کلیپی روبه‌رو شدند که یک فرد با ظاهر و شمایل اراذل و اوباش و با در دست داشتن قمه به ترویج اوباشگری اقدام کرده و در بین صحبت‌های خود به ماموران پلیس نیز توهین می‌کرد؛ این موضوع به‌صورت ویژه در دستورکار پلیس قرار گرفت وهویت و مخفیگاه این فرد که از اراذل و اوباش سطح‌دار جنوب‌غرب تهران و دارای سوابق متعددی ازجمله شرارت و توزیع موادمخدر بود، شناسایی و پس از هماهنگی قضایی وی در حوالی شهرک اکباتان و در یک تعقیب و مراقبت چند ساعته دستگیر و از مخفیگاه متهم سه قبضه سلاح سرد و مقادیری موادمخدر کشف شد.

گفت‌وگو با قاتل بلاتکلیف در زندان که خانواده مقتول شرط عجیبی برای آزادی‌اش گذاشته‌اند

کاش چاقو در جیبم نبود

معصومه ملکی

حوادث

بهرام ۲۸ ساله اوایل پاییز ۹۳ در درگیری خیابانی در جنوب پایتخت، مردی را به قتل رساند. او یک هفته فراری بود و بعد به دلیل عذاب وجدان تسلیم پلیس شد. در تحقیقات پلیسی گفته بود که پسر جوانی مدتی برای خواهرش ایجاد مزاحمت می‌کرد. با وی بارها حرف زده که دست از این کار بردارد اما آن جوان توجهی نکرده و سرانجام با هم درگیری پیدا کردند و در ادامه او را قربانی خشم خود کرده و با ضربه‌های چاقو به قتل رسانده است. در این هفت سال که در زندان بوده، دوبار پای چوبه دار رفته و هربار توانست مهلت بگیرد اما اکنون چند سالی است بلاتکلیف میان برزخ بخشش و قصاص مانده است. در پشت صحنه یک جنایت این هفته پای حرف‌هایش نشستیم و نظر دکتر میرحامد خانی، جرم‌شناس و استاد دانشگاه را جویا شدیم که می‌خوانید.

پشت صحنه یک ماجرا

به چه اتهامی بازداشت شدی؟

قتل یک جوان که مزاحم خواهرم بود. من یک آدم سربه زیر بودم وبا کسی اختلاف و دعوا نداشتم تا این‌که یک روز خواهرم گفت پسری او را تعقیب و برایش ایجاد مزاحمت می‌کند و دست بردار نیست. با شنیدن این حرف‌ها خونم به جوش آمد و می‌خواستم تنبیهش کنم. چند بار مرد مزاحم را دیدم و با او حرف زدم که برود پی کارش که اهمیت نداد و سرانجام با هم درگیر شدیم و او را با ضربه‌های چاقو کشتم.

از ورودت به زندان بگو.

بعد از یک هفته فرار تسلیم شدم. چند روز بعد ماموران مرا سوار اتوبوس حامل زندانیان کردند و به زندان منتقل شدم. وکیل بند مرا تحویل گرفت و تختی به من داد.

قبل از این‌که خودم وارد بند شوم خبر قتلی که انجام دادم به زندان رسیده بود. شب که شد همه هم‌سلولی‌ها دورم حلقه زدند و از شب جنایت برایشان گفتم. عده‌ای می‌گفتند خوب کاری کردی مزاحم را کشتی و عده‌ای می‌گفتند اشتباه کردی خودت را بدبخت کردی و اعدام می‌شوی. خلاصه با این افکار روزگار می‌گذراندم.

بعد چه شد؟

شب و روزم یکی شده بود .چون کم سن و سال‌ترین زندانی سلول بودم بیشتر کارها از شست‌وشو تا آشپزی را باید انجام می‌دادم. یک سال این وضع زندگی‌ام بود. چند نفری از آشناها و هم محلی‌های مقتول در زندان بودند، وقتی خبر آمدن من به آنجا رسید، قصد جانم را کردند که زخمی شدم اما زنده ماندم. ماه‌های اول حالم خیلی بد بود. زیاد به خودکشی فکر می‌کردم چند بارهم اقدام کردم اما زنده ماندم.

از دلتنگی‌هایت بگو.

دلم برای خانواده‌ام، سفره غذای مادرم، قورمه سبزی و آش رشته‌های خیراتی پنجشنبه شب‌هایش تنگ شده است. چند سال است پدرم فوت شده. زندانی شدن من باعث شد دق کند. دلم برای دوچرخه‌ام که سوار می‌شدم و تا کارگاه محل کارم رکاب می‌زدم و برای کوهپیمایی آخر هفته تنگ شده است.

عشق فوتبالی؟

بله . پرسپولیسی‌ام ؛ آن هم از نوع دو آتیشه. در زندان بازی‌هایش را دنبال می‌کنم.

اگر زمان به عقب باز می‌گشت؟

چاقو در جیبم نمی‌گذاشتم. از مزاحم به دادگاه شکایت می‌کردم تا مجازات شود .

خواهرت برای رضایت اقدام کرد؟

بله اما ای کاش نمی‌رفت. خانواده مقتول برایش شرط گذاشتند که اگر با برادر وی که ۱۵ سال از خواهرم بزرگتر هست ازدواج کند رضایت می‌دهند. وقتی فهمیدم با خواهرم دعوا کردم. همان شب کلی قرص از درمانگاه زندان دزدیدم تا بمیرم که زنده ماندم.

تا به حال به فرار از زندان فکر کرده‌ای؟

بله. چند ماه اول که به زندان آمدم از زندانی‌های قدیمی پرس‌وجو کردم تا شاید راه فراری پیدا کنم. حتی به حفر تونل هم فکر کردم که نشد و قید فرار را زدم.

فکر می‌کنی بخشیده شوی؟

الان چند سال است که بلاتکلیفم. نمی‌دانم چه تصمیمی می‌گیرند.

صبور باشید و به جای قانون تصمیم نگیرید

دکتر میرحامد خانی

جرم‌شناس و استاد دانشگاه

مرد زندانی مدعی شده انگیزه‌اش ازجنایت، تنبیه کردن مزاحم خواهرش بوده اما به جای حل مشکل، خودش قانون شده تا آن را حل کند، بی آن‌که به عواقب آن فکر کند. هر چند قانونگذار مجازات‌هایی را برای مزاحمان اطفال و بانوان در نظر گرفته اما این باعث نمی‌شود فرد خودش یک سویه تصمیم بگیرد. باید ابتدا با فرد مزاحم حرف زد و او را مجاب به رفتار نامناسبش کرد، در صورت تکرار ازخانواده او کمک خواست و اگر دوباره تکرار کرد از او شکایت کرده تا قانون وی رامجازات کند. نه این‌که فرد شخصا قانون شود و فرد خاطی را مجازات کند. حتی از دیدگاه او این مجازات به خاطر دفاع از ناموسش یا انگیزه شرفتمندانه باشد، نمی‌تواند توجیهی برای جنایت او باشد. شاید اگر این زندانی مزاحمت فرد خاطی را با خانواده‌اش در میان می‌گذاشت و آن را با مشورت حل می‌کرد و خودش اقدام به مجازات فرد خاطی نمی‌کرد، اکنون آن جوان زنده و این زندانی هم نزد خانواده‌اش بود و حکم قصاص نمی‌گرفت. این زنگ خطری برای خانواده‌هاست که اول خشم خود رادر برابر اتفاقات پیش آمده در زندگی کنترل کنند، دوم این‌که تصمیم‌های عجولانه و بدون عاقبت‌اندیشی نگیرند، سوم به قوانین حاکم برجامعه احترام بگذارند، چهارم این‌که برای حل مشکلات خود از افراد معتمد و قانونمند کمک بگیرند تا شاهد چنین حوادث تلخی در سطح جامعه‌نباشیم.

> چند ماه اول که به زندان آمدم از زندانی‌های قدیمی پرس‌وجو کردم تا شاید راه فراری پیدا کنم. حتی به حفر تونل هم فکر کردم که نشد و قید فرار را زدم

از سوی قضات دادگاه کیفری استان تهران؛

ادعای آزار یک زن در قبرستان رد شد

مرد جوان که متهم بود زنی را در قبرستان مورد آزار و اذیت قرار داده، از اتهام تجاوز به عنف تبرئه و به ۸۰ ضربه شلاق محکوم شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از سال گذشته و با شکایت زن جوانی در پلیس آگاهی تهران آغاز شد. این زن به ماموران گفت: روز پنجشنبه سر مزار مادرم بودم که مردی آبمیوه خیرات کرد. بعد از خوردن آبمیوه بیهوش شدم و وقتی به هوش آمدم متوجه شدم مرد جوان مرا مورد آزار و اذیت قرار داده است.

پس از این شکایت، ماموران تحقیقات خود را آغاز کرده و متوجه شدند مرد جوان زیاد به قبرستان می‌رود. او سرانجام دستگیر شد اما در تحقیقات منکر آزار و اذیت شاکی گردید و گفت: من و زن جوان در غم از دست دادن مادر عزادار بودیم و آن روز فقط با هم درددل کردیم. نمی‌دانم چرا مدعی آزار و اذیت از من شده است.

با تحقیقات اولیه، پرونده برای رسیدگی نهایی به شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در ابتدای این جلسه شاکی اظهار کرد: مرگ مادرم داغ سنگینی برای من بود و هر پنجشنبه سر مزار مادرم می‌رفتم. یک روز متهم با آبمیوه مسموم مرا بیهوش کرد و مورد آزار و اذیت قرار داد. به همین خاطر از او شکایت دارم.

در ادامه متهم در جایگاه قرار گرفت و گفت: اتهام آزار و اذیت این زن را قبول ندارم. من این زن را مدت‌ها بود می‌شناختم. قصد ازدواج با او را داشتم که به من خیانت کرد و او را فراموش کردم. یک روز که سر قبر مادرم رفتم بودم، او را دیدم و حرف زدیم. روز بعد متوجه شدم او ادعای آزار و اذیت از سوی مرا مطرح کرده است. نگهبانان بهشت زهرا مرا می‌شناسند. من هر روز صبح سر قبر مادرم می‌روم. قرار بود با دختری ازدواج کنم که شکایت این زن باعث شد ازدواجم به هم بخورد. پس از دفاعیات متهم، قضات شعبه نهم دادگاه کیفری برای تصمیم‌گیری وارد شور شده و مرد جوان را از اتهام تجاوز به عنف تبرئه کرده و او را به ۸۰ ضربه شلاق محکوم کردند.

قصاص رفیق‌کش مست

مردی که در عالم مستی دوستش را کشته بود بعد از سه سال در زندان اعدام شد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، مرد اعدامی شامگاه هفدهم تیر۹۷ دوستش را به قتل رسانده و بعد جسد او را که پتو پیچ شده بود، شبانه داخل جوی آب در بلوار شهید محلاتی برده و رها کرده بود.

او بعد از دستگیری اعتراف کرده بود در حالت مستی مرتکب قتل شده اما تحقیقات از خانواده مقتول نشان داد او چندبار پسرشان را به قتل تهدید کرده و سرانجام وی را کشته است. متهم مدتی بعد در شعبه۱۲ کیفری یک استان تهران محاکمه شد و گفت: مقتول دوستم بود و با او اختلاف نداشتم بلکه دعوایمان با فرد دیگری بود. آن روز برای دعوا با مردی رفته بودیم که سر قرار نیامد و من و دوستم به خانه‌مان رفتیم. آن شب با هم در پشت بام خانه‌مان مشروب زیادی مصرف کردیم و ناگهان دعوایمان شد. قمه دوستم را برداشته و چند ضربه به وی زدم. وقتی به خود آمدم، او فوت کرده بود. خون‌های روی پشت‌بام را پاک و جسدش را پتو پیچ کرده و با انداختن در خودرویم به جوی آب بازار گل برده و آنجا رها کردم. قضات پس از محاکمه، حکم قصاص به وی داده و رای در شعبه هفتم دیوان‌عالی کشور تائید و به شعبه سوم اجرای احکام دادسرای جنایی تهران ارسال شد. خانواده قاتل در این چند سال برای جلب‌رضایت تلاش کردند اما موفق نشدند و سرانجام دیروز و با گذشت بیش از سه سال از این جنایت، مرد جوان در زندان رجایی‌شهر کرج به دار مجازات آویخته شد.

قتل مرد بازنشسته در مسیر پارک

مرد میانسال در مسیر پارک برای ورزش با ضربه چاقوی مردی ناشناس به قتل رسید.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت۶و۳۰دقیقه صبح چهارشنبه ۳۱شهریور امسال مرد ۶۰ساله بازنشسته‌ای مثل هر روز برای ورزش ازخانه‌شان در حوالی محله تهران‌نو در پایتخت بیرون رفت تا به بوستان محله برود که در مسیر مردی به او نزدیک شد و بعد از زدن ضربه چاقو به سینه‌اش گریخت. او به سختی خود را به نزدیکی خانه‌اش رساند و در حالی که می‌گفت دزددزد از حال رفت. چند رهگذر با مشاهده مرد زخمی با پلیس و اورژانس تماس گرفتند. او به بیمارستان انتقال یافت اما سه ساعت بعد بر اثر شدت خونریزی جان باخت.

در جریان تحقیقات از خانواده مقتول مشخص شد او اختلاف شخصی و مالی با کسی نداشته و وسیله‌ای از او سرقت نشده و نمی‌دانندچرا او کلمه دزددزد را بر زبان آورده است.

محمدحسین زارعی، بازپرس شعبه دهم دادسرای جنایی تهران با تائید این خبر دراین‌باره به جام‌جم گفت: تحقیقات ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای رازگشایی از این جنایت آغاز شده است.

ذبح و توزیع گوشت الاغ و اسب در یک دامداری در تهران

معاون نظارت بر اماکن‌عمومی پایتخت از دستگیری عاملان ذبح و توزیع گوشت الاغ و اسب در یکی از دامداری‌های جنوب تهران خبر داد. به گزارش خبرنگار حوادث جام‌جم‌آنلاین سرهنگ نادر مرادی دراین‌باره گفت: اوایل هفته‌جاری خبری درخصوص ذبح چند راس اسب و الاغ در یک دامداری در حوالی یکی از روستاهای حاشیه شهر تهران دریافت کردیم که با توجه به اهمیت موضوع و هماهنگی با مرجع قضایی، تیمی از ماموران معاونت نظارت بر اماکن عمومی و پایگاه نهم پلیس امنیت عمومی پایتخت همراه نمایندگان سازمان دامپزشکی تهران به آن نشانی اعزام شدند. وی تصریح کرد: ابتدای کار متصدی این دامداری از ورود ماموران جلوگیری کرد که با رعایت حقوق شهروندی و تفهیم حکم قضایی از این دامداری بازدید شد و در بررسی‌های اولیه یک لاشه اسب و ۵۰کیلو گوشت الاغ و همچنین ۱۰رأس اسب و یک رأس الاغ که برای ذبح به این مکان منتقل شده بودند، کشف شد. معان نظارت بر اماکن‌عمومی پایتخت با بیان اینکه متصدی این دامداری دستگیر و برای سیر مراحل قضایی به دادسرا معرفی شد، خاطر نشان کرد: تلاش برای دستگیری سایر مرتبطان این پرونده همچنان در دستور کار پلیس قرار دارد. رئیس اداره دامپزشکی شهر تهران هم با اشاره به پرونده گفت: نیم تن گوشت اسب و الاغ قبل از توزیع در بازار معدوم شد.

تلنگر

نجات گروگان ۴ میلیاردی

عضو باندی که پسر نوجوانی را از کرمانشاه ربوده و به کرمان منتقل کرده بودند، بازداشت و گروگان نجات یافت.

سردار علی‌اکبر جاویدان، فرمانده انتظامی کرمانشاه به فارس گفت: پس از اطلاع پلیس آگاهی استان از وقوع یک مورد آدم‌ربایی در شهرستان کنگاور، تحقیقات در این باره آغاز شد. درادامه معلوم شد آدم‌رباها پس از ربودن پسر ۱۳ساله که تازه تحت عمل جراحی قرار گرفته و بیماربود وی را از شهر کرمانشاه خارج و به استان کرمان منتقل کرده‌اند. بعداز ۷۲ساعت عملیات پلیسی و با همکاری پلیس کرمان مخفیگاه آدم‌رباها در شهرستان عنبرآباد شناسایی و پسر نوجوان نجات یافت و تحویل خانواده‌اش شد. متهمان در صدد بودند تا در برابر آزادی این پسر نوجوان چهار میلیارد تومان از خانواده‌اش اخاذی کنند که ناکام ماندند.

بازداشت مهره کلیدی باند فیشینگ

یکی از اعضای اصلی باند فیشینگ کاران ساکن کشور ترکیه به محض بازگشت به بوشهر بازداشت شد.

به گزارش جام‌جم، سردار حیدر سوسنی، فرمانده انتظامی استان بوشهر گفت: از سال گذشته و با شکایت چند نفربه پلیس فتای استان بوشهر که موجودی حساب‌های بانکی‌شان از سوی افراد ناشناسی اینترنتی سرقت شده در تحقیقات معلوم شد پول‌های سرقتی به چند حساب بانکی واریز شده است. فردی که حساب‌ها به نام او ثبت شده بود شناسایی شد که در تحقیق از او معلوم شد متهم بدون این‌که متوجه شود حسابی به نام وی بازکرده‌اند و حتی به نام او سیم کارتی ثبت کرده‌اند که سارق از آن استفاده می‌کرده است.

وی افزود: هویت واقعی متهم اصلی که از بستگان صاحب حساب بود، شناسایی و مشخص شد ساکن خارج از کشور است و همه برداشت‌ها و سرقت‌های اینترنتی همدستان این فرد در قالب طراحی درگاه‌های بانکی و سایت‌های خرید جعلی صورت پذیرفته که همگی ساکن کشور ترکیه هستند. علاوه بر آن معلوم شد که متهم در حداقل۳۵فقره پرونده با موضوع برداشت اینترنتی غیر مجاز از طرف مراجع قضایی۲۰ استان تحت تعقیب و متواری است. سرانجام چند روز پیش متهم پس از بازگشت به کشور در خانه‌ای که پنهان شده بود، بازداشت شد.

قتل همسر در دعوای خانوادگی

اختلاف و درگیری خانوادگی منجر به قتل زن جوان از سوی شوهرش شد.

سرهنگ رضا زارعی، جانشین فرمانده انتظامی استان همدان در این باره به سایت پلیس گفت: وقوع یک فقره قتل در منطقه اعتمادیه شهر همدان به پلیس گزارش شد. همزمان با حضور ماموران در محل معلوم شد زن جوانی با ضربه‌های چاقو به قتل رسیده و شوهرش عامل جنایت است که بازداشت شد. متهم در جریان تحقیقات اعتراف کرد درپی اختلاف و درگیری خانوادگی همسرش را به قتل رسانده و بعد موضوع را به برادرش اطلاع داده و پشیمان از این قتل است.